

# بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

## فقه و اجتهاد

دوفصلنامه علمی - تخصصی

سال ششم، شماره دوازدهم (پاییز و زمستان ۱۳۹۸)



هیئت تحریریه به ترتیب حروف الفبا
- سید جواد حسینی خواه (استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم و مدرس دانشگاه)
- محمدجعفر طبسی (مدرس دانشگاه و استاد حوزه علمیه قم)
- سید علی علوی قزوینی (دانشیار دانشگاه تهران، پردیس فارابی)
- ابوالقاسم علیدوست (دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی)
- محمدجواد فاضل لنکرانی (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم)
- محمدرضا فاضل کاشانی (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم)
- محمد قائنی (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم)
- محمدعلی قاسمی (استاد حوزه علمیه قم و مدرس جامعة المصطفی العالمیه)
- محمدمهدی مقدادی (دانشیار دانشگاه مفید قم)
- سید محمد نجفی یزدی (استادیار جامعة المصطفی العالمیه)

نمایه شده در پایگاه‌های:

Magiran (بانک اطلاعات نشریات کشور)

Noormags (پایگاه مجلات تخصصی نور)

نشانی: قم، میدان معلم، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم‌السلام

معاونت پژوهش، دفتر فصلنامه فقه و اجتهاد

تلفن: ۰۲۵ - ۳۷۷۴۹۴۹۴

دورنگار: ۰۲۵ - ۳۷۷۳۰۵۸۸

سامانه فصلنامه: [www.mags.markafeqhi.com](http://www.mags.markafeqhi.com)

پست الکترونیکی: [mags@markazfeqhi.com](mailto:mags@markazfeqhi.com)

قیمت: ۴۰۰۰۰۰ ریال

صاحب امتیاز:

مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم‌السلام

مدیر مسئول:

آیت‌الله محمدجواد فاضل لنکرانی

سرمدیر:

علی نهاوندی

دبیر تحریریه:

رضا پورصدقی

دبیر اجرایی:

مهدی مقدادی داودی

ویراستار:

وحید حامد

مترجم انگلیسی:

سید محمد سلطانی

مترجم عربی:

حبیب ساعدی

طراح:

حمیدرضا پورحسین

صفحه‌آرا:

محسن شریفی

## Jurisprudential Analysis of Free Access to Cyberspace as an *alah al-mushtarikah*

Ali Nahavandi<sup>1</sup>

### Abstract

With the expansion of free access to cyberspace, it is necessary to explain the jurisprudential criteria of its cultural application, for free access to all data in such a space entails many issues, of which is the jurisprudential considerations regarding the idea that cyberspace is an *al-alah al-mushtarikah* (a device capable of being used in sinful way).

This research critiques this idea and its consequent inferring that using cyberspace is absolutely lawful. As a result, as long as the technical capability of the national cyber infrastructure and management is not achieved, its usage exceeding the necessities is not permissible.

**Keywords:** Cyberspace, *Al-alah al-mushtarikah*, Free use, Cultural Application.

---

1 . Level 4, Qom Seminary, Lecturer of higher levels at the Seminary School of Qom.  
(nahavandi47@yahoo.com)

# فقه واجتهاد

دوفصلنامه علمی - تخصصی  
سال ششم، شماره دوازدهم (پاییز و زمستان ۱۳۹۸)  
تاریخ ارسال: ۱۳۹۹/۱۰/۰۹  
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۲۵

## واکاوی فقهی جواز استفاده آزاد از فضای مجازی با رویکردی بر آلات مشترک بودن

علی نهاوندی<sup>۱</sup>

### چکیده

گسترش فضای مجازی و استفاده و بهره‌برداری آزاد از آن، تبیین چارچوب و ضوابط فقهی مصرف فرهنگی آن را ضروری می‌داند؛ چراکه فضای مجازی بستر عرضه کالاهای فرهنگی برای مصرف است و بهره‌برداری آزاد از آن متضمن مصرف تمامی داده‌هایی است که از طریق فضای سایبری می‌توان انتقال داد. این جهت مسائل متنوعی را تولید می‌کند. از آن جمله قلمرو مجاز فقهی مصرف برای کاربر شبکه‌های تحت وب است که ممکن است به دلیل انگاره آلات مشترک بودن فضای مجازی، استفاده آزاد از آن جایز قلمداد شود.

این تحقیق بر آن است که با موضوع‌شناسی فضای مجازی، استناد به ادله آلات مشترک بودن فضای مجازی را نقد کند و این دلیل را مستند تجویز استفاده مطلق و مطلق استفاده از فضای مجازی نداند. در نتیجه مادامی که توان فنی زیرساختی سایبری ملی، اشراف و احاطه مدیریتی در بستر وب به دست نیامده، ادله مجوز آلات مشترک، دلیلی بر بهره‌برداری مطلق از فضای مجازی نیست و نمی‌توان برای استفاده و مصرف به بیش از حد ضرورت و اضطرار مجوز شرعی داد.

واژگان کلیدی: فضای مجازی، آلات مشترک، استفاده آزاد، مصرف فرهنگی.

فقه واجتهاد / واکاوی فقهی جواز استفاده آزاد از فضای مجازی...

۱. سطح چهار حوزه علمیه قم؛ استاد سطوح عالی قم؛ مدیر گروه فقه هنر و رسانه مرکز فقهی ائمه اطهار (علیهم‌السلام)؛ nahavandi47@yahoo.com

## مقدمه

از شئون دست‌گاه فقاها و فقیه جامع‌الشرایط اس‌ که با روش‌های علمی و عملی اج‌تهادی، رأی شریعت را در هر پدیده و امر فردی و اج‌تماعی و در هر عصر و نسلی کشف کند. در این میان آثاری که از علما و فقهای سلف به ما رسیده اس‌، بیشتر جنبه عرضة کشف حکم و بیان فتوا داشته و در مسائل مستحدثه نیز عموماً خالی از استدلال‌های اج‌تهادی اس‌.

یکی از پدیده‌های فناوری‌های ارتباطی یا به تعبیری ارتباطات جمعی اس‌ که در قالب شبکه‌های تحت وب، سایبرنتیک یا فضای مجازی نام‌گذاری شده‌اند. فضای مجازی از جمله امور نوپدیدی اس‌ که بر ابعاد گوناگون در سطح فردی و اج‌تماعی، ملی و بین‌المللی تأثیرگذار بوده و در آینده نقش به‌مراتب مهم‌تری خواهد داشت.

از جمله پرسش‌های فقهی آن اس‌ که در اس‌تفاده از فضای مجازی، آیا اس‌تناد به ادله‌آلات مشترکه کافی اس‌؟ آیا اصل بر توسعه مصرف اس‌ت یا بر تضییق و ایجاد محدودیت در آن؟ و اگر اصل بر هر طرف باشد، آیا این اصل را می‌توان در همه موارد مصرف پایه‌گذاری کرد یا تنوع مصارف تعیین‌کننده حکم اولی در جواز توسعه یا وجوب تضییق اس‌ت؟ بر فرض جواز یا حرمت مصرف به حکم اولی، چگونه می‌توان تصور کرد به خاطر عروض عناوین ثانوی، تغییری در حکم پدید آید که نکته‌اش آن اس‌ت که حکم اولی با حکم ثانوی تعارضی ندارد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸ق، ج ۳، ص ۴۵۱). همچنین اگر دخالت حاکم در مسئله را از قبیل عروض عناوین ثانوی بدانیم (نایینی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۶۰)، آن‌گاه دایرة عناوین ثانوی گسترده‌تر می‌شود و حکم حکومتی به مسدود کردن فضای مجازی را دربر می‌گیرد. بنابراین مباحث متعدد و چالش‌برانگیزی در مسئله اس‌تفاده آزاد از مجازی و آلات مشترکه بودن فضای مجازی مطرح می‌شود که جای دقت نظر فقهی عمیقی دارد.

پیش از ورود به مباحث استدلالی نوشتار، نخست باید میان دو چیز تفکیک قائل شد: یکی قابلیت ذاتی فضای مجازی به عنوان یک ابزار فناوری کارآمد و دیگر وضع مصرف کنونی و موجود فضای مجازی. نتایج تحقیقات نشان می‌دهد اس‌تفاده‌های تفریحی (وب‌گردی، تماشای فیلم و تصاویر و...) و ارتباطی (چت

کردن، ارسال و دریافت ایمیل و...) تأثیر منفی بر وضع التزام دینی دارد و استفاده برای مقاصد علمی و اطلاعاتی دارای تأثیر مثبت است؛ چنان‌که تأثیرات منفی بیشتر بر کسانی است که اطلاعات و اعتقادات دینی کمتری دارند یا در گروه‌های سنی منفعل مانند نوجوانان هستند (توسلی و جلالوند، ۱۳۹۴، ص ۱۲۲).

سازمان‌های بین‌المللی از جمله شورای اروپا، سازمان ملل و پلیس بین‌الملل جنایی هریک فهرستی از جرایم رایانه‌ای عرضه کرده‌اند که در میان آنها جعل، کلاهبرداری، خرابکاری، جاسوسی، سرقت، ایجاد اختلال و تغییر رایانه‌ای در زمره عناوین مجرمانه دیده می‌شود که مورد توافق سازمان‌های یادشده است (شیرزاد، ۱۳۸۸، ص ۴۷).

قمار اینترنتی، بزهکاران جنسی مجازی، ابزاری تروریستی برای ایجاد ارتباطات، جذب افراد و مانند آن، سرقت‌های دیجیتالی، بزه‌دیدگی، بدافزاری، ارباب در فضای مجازی، نقض حق حریم خصوصی و حق مالکیت شخصی و حق شرافت انسانی و فعالیت هرکس گوشه‌ای از نگاشت‌های منفی در فضای مجازی است (همان، ص ۴۳-۴۴).

البته دیدگاه کشورها در مقابله با جرایم رایانه‌ای متفاوت است که این تفاوت مربوط به زیرساخت‌های رایانه‌ای و بسترهای حقوقی آنهاست. در برخی کشورها جرایم سایبریک مزاحمت شناخته می‌شود، نه جرم و دولت باید کمترین نقش را در کنترل جرایم داشته باشد؛ اما در کشورهایی که وابستگی به زیرساخت‌های رایانه‌ای عمیق است، جرایم سایبری جرم‌هایی پذیرفته‌شده است و راهکارهای فنی و آموزشی در کنار الزامات قانونی و حقوقی برای جلوگیری از جرایم عرضه می‌شود (فضلی، ۱۳۸۹، ص ۲۵). از نگاه حقوق قضایی قانون جزایی جمهوری اسلامی ایران، آنچه مسلم است، پیوستگی مثبت میان امنیت ملی کشور و امنیت فضای مجازی است (پالیزبان، ۱۳۹۴، ص ۶۵۲)؛ ولی چنانچه شخصی در فضای مجازی، مرتکب جرم مشهود شود و ترویج فساد کند، از دید قانون‌گذار مجرم شمرده می‌شود؛ همچنان‌که قانون‌گذار جرایم رایانه‌ای در سال ۱۳۸۸ تصویب کرده است.

درباره فضای مجازی و کارایی‌ها یا آسیب‌های آن یا نسبت آن با حاکمیت و دین

چیستی فضای مجازی و چگونگی حکم فقهی رویارویی با فضای مجازی پرداخته‌اند. بنابراین امتیاز و نوآوری این پژوهش آن است که مصرف فرهنگی فضای مجازی چه احکام شرعی دارد؟ این بحث از آنجا اهمیت دارد که در میان مصارف فرهنگی از یک سو و استفاده از فضای مجازی به لحاظ تنوع مسائل و نیاز جامعه و پیچیدگی و مستحدث بودن موضوع و رشد روزافزون ابتلا به آن و مرزناشناسی و کنترل‌ناپذیر بودن آن از سویی دیگر اهمیت بیشتری دارد. نوشتار پیش‌رو با روش تحلیلی - اجتهادی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای تهیه شده است.

بدین ترتیب لازم است پیش از حکم‌شناسی مصرف، از ماهیت فقهی مسائل مربوط به فضای مجازی مبتنی بر موضوع‌شناسی بحث کنیم. موضوع‌شناسی متوقف بر تحلیل و بررسی قیود موضوع است؛ پس باید نخست «فضای مجازی» تحلیل معنایی شود و سپس دیدگاه کارشناسان علمی و عرف متخصص در مسئله و آن‌گاه انطباق عناوین شناخته‌شده فقهی بر موضوع بررسی می‌شود.

### ۱. چیستی فضای مجازی

فضای مجازی یا سایبری، محیطی ناملموس و موجود در فضای شبکه‌های بین‌المللی است (این شبکه‌ها از طریق شاهراه‌های اطلاعاتی مانند اینترنت به هم وصل هستند) که در این محیط، تمام اطلاعات راجع به روابط افراد، فرهنگ‌ها، ملت‌ها، کشورها و به‌طورکلی هرآنچه در کره خاکی به صورت فیزیکی ملموس وجود دارد (به صورت نوشته، تصویر، صوت، اسناد)، در یک فضای ناملموس به شکل دیجیتالی وجود دارد و قابل استفاده و در دسترس کاربران بدون در نظر گرفتن جغرافیای فیزیکی است و از طریق کامپیوتر، اجزای آن و شبکه‌های بین‌المللی به هم مرتبط‌اند. (بل، ۱۳۸۹، ص ۲۲).

ناگفته نماند که شایسته نیست فضای مجازی را در شبکه‌های اجتماعی منحصر دانست؛ بلکه حجم دادوستد، اشتراک‌گذاری اطلاعات و تعامل در شبکه‌های اجتماعی سایر نشان از وقوع تغییرات شگرف در کیفیت و کمیت جریان اطلاعات در جوامع دارد و با توجه به زمینه‌های اجتماعی شبکه‌هایی که از اتصال رایانه‌ها به هم پدید می‌آید، فضایی غیرعادی و ناملموس است که دنیایی مجازی در کنار دنیای

واقعی برای ما به وجود آورده است. (فضلی، ۱۳۸۹، ص ۱۷). در واقع ما ویژگی‌های فضای حقیقی را در قالبی دیگر شبیه‌سازی کرده‌ایم. همان‌گونه که در فضای حقیقی، انواع ارتباطات میان مردم در قالب تعلیم و تربیت یا اقسام معاملات و تجارت یا ارتباطات عاطفی و خانوادگی یا فضای بحث و مناقشه و مجادله یا نزاع و خصومت‌ورزی یا تعاون و تحزب و گردهمایی و مانند آن وجود دارد، در فضای مجازی نیز از طریق ارتباط صوتی و تصویری یا تبدلات پیام‌ها، اراده و خواست افراد و تمایلات و گرایش‌های مثبت و منفی آنها ابراز می‌شود و افراد بدون آنکه حضور فیزیکی دیگری و محیط اجتماعی و فرهنگی آنها را در خارج لمس کنند، می‌توانند تمایلات و خواسته‌ها و فکر و عقیده آنها را درک و شرایط خارجی آنها را کشف و فهم کنند؛ چنان‌که امکان ارتباط فرد با خودش و با محیط اطرافش نیز در فضای مجازی وجود دارد؛ چون می‌تواند سخن و تصویر خودش را همچون گزارش‌های دیگر از افراد و اشخاص در فضای مجازی ببیند و تحلیل کند. استفاده از فضای مجازی به عنوان عرضه‌کننده کالاهای فرهنگی است؛ چه آنکه کالایی ذاتاً فرهنگی باشد، مانند یک نمایش طنز یا یک درس اخلاق یا یک تابلوی هنری و چه آنکه کالایی ذاتاً فرهنگی نیست؛ ولی ضمیمه فرهنگی و به تعبیر دقیق‌تر حیثیت فرهنگی داشته باشد و پیامی را منتقل کند، مانند نوع خوراک یا پوشاکی که فرهنگی را ترویج و سبکی از زندگی را تثبیت و تأیید می‌کند.

## ۲. چپستی آلات مشترک در فقه امامیه

آلاتی که انسان استفاده می‌کند، از نگاه فقهی به سه قسم تقسیم می‌شود:

- آلاتی که فقط منافع محله دارند؛
- آلاتی که فقط منافع محرمه دارند؛
- آلاتی که منافی مشترک میان محله و محرمه دارند.

بحث از آلات مشترک به عنوان بحث مستقل و مجزا و در باب خاص و مشخصی در کتب فقها ذکر نشده است و فقط امام خمینی در کتاب *المکاسب المحرمه* بحثی با این عنوان دارد: «ما یقصد منه المنفعة المحرمة، فیما إذا كان لشیء منفعة محرمة ومحللة، كأواني الذهب والفضة» (موسوی خمینی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۷۴)؛ ولی فقهای دیگر،

این بحث را در لابه‌لای مباحث آلات مخصوص به منافع حرام بحث کرده‌اند و سیدصادق روحانی در کتاب *منهاج الفقاهه* به طور محسوس‌تر در ذیل عنوان آلات قمار، به بحث در این باره پرداخته است (روحانی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۱۸۰).

آلات مشترکه به لوازم و ابزار می‌گفته می‌شود که دو گونه کاربرد متفاوت داشته باشد و همان‌گونه که می‌توان آن را برای اغراض حلال به کار برد، آن را برای اغراض حرام نیز می‌توان به کار گرفت (موسوی خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۴؛ همو، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۲۸۳؛ تبریزی، بی‌تا، ص ۲۰۵).

آلات مشترکه از عناوین جدید است که فقیهان معاصر آن را در مورد آلات موسیقی، آلات قمار، آلات قتل، آلات سحر و نیز وسایل و فناوری مدرن همچون رادیو، ضبط صوت، تلویزیون، ویدیو، رایانه و ماهواره در باب تجارت به کار برده‌اند (جمعی از پژوهشگران ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۱۳۹).

برای تبیین کامل آلات مشترکه، لازم است سخنان فقها نیز تبیین و بررسی شود. برخی از مهم‌ترین تعاریف ماهیت آلات مشترکه عبارت است از:

به نظر محقق خویی و آیت‌الله فیاض، آلات حرام آن است که غالباً از آن در مقاصد حرام استفاده می‌شود؛ همچون نی، صلیب، طبل و آلات قمار همانند شطرنج؛ اما دستگاه گرامافون، ضبط صوت، رادیو و تلویزیون و مانند آن که می‌توان اخبار و قرآن و تعزیه را از آن شنید، آلات مشترک‌اند (موسوی خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۴؛ فیاض، ۱۳۸۰، ص ۳۱۲). از دیدگاه این دو فقیه، ملاک آلات مشترکه بودن آن است که استفاده صحیح و حلال از آن بشود.

آیت‌الله گلپایگانی در پاسخ پرسش پیرامون استفاده از آلات مشترکه موسیقی می‌نویسد اگر منفعت حلال از آلات موسیقی کم باشد، به طوری که در عرف از آلات لهو شمرده شود، استفاده از آن جایز نیست (گلپایگانی، ۱۴۱۳ق، ص ۱۶۰). از پاسخ این استفتا فهمیده می‌شود ملاک آلات مشترکه، منفعت حلال معتناهی است که عرفاً آن منفعت حلال در نظر گرفته شود.

برخی از فقها معتقدند حکم کلی درباره‌ی آلات مشترکه وجود ندارد؛ بلکه استفاده مباح از آنها سبب آلات مشترکه شدن آنها می‌شود؛ از این رو آیت‌الله بهجت در پاسخ



به این پرسش که «استفاده از اینترنت چه حکمی دارد؟» می‌نویسد: «تابع نحوه استفاده از آن است» (بهجت، ۱۴۲۸ق، ج ۳، ص ۲۲۲).

محمدامین زین‌الدین از علمای اواخر قرن چهاردهم نجف می‌آورد که آلات مشترکه ابزاری است که استفاده آنها در حلال و حرام شایع و نزد عرف، این ابزار از آلات مخصوص حرام نیست (بصری بحرانی، ۱۳۴۱ق، ج ۴، ص ۱۱). همچنین آیت‌الله خامنه‌ای می‌نویسد آن دسته از آلات موسیقی که در نظر عرف از آلات مشترک‌اند که قابل استفاده برای کارهای حلال هستند و برای مقاصد حلال به کار گرفته شوند و به صورت غیر لهوی هستند (خامنه‌ای، ۱۳۹۸، ص ۲۵۵).

آنچه از مجموع اقوال فقها درباره چستی آلات مشترکه فهمیده می‌شود، آن است که فقها ماهیت آلات را بر سه امر مجزا متوقف کرده‌اند:

- برخی منفعت حلال از آلات مشترکه را شرط دانسته‌اند.
- برخی از فقها استفاده حلال شرعی را ملاک قرار داده‌اند.
- برخی دیگر نظر عرف را برگزیدند؛ یعنی اگر عرف این ابزار را جزو آلات مختص حرام بداند، آلات مشترکه نیست؛ ولی اگر عرف آن را جزو آلات مشترکه دانسته است، آلات مشترکه شمرده می‌شود.

بنابراین آلات مشترکه ابزار مورد استفاده در حلال و حرام است. آلات مشترکه ابزاری است که افزون بر منافع حرام، نزد عقلا دارای منافع حلال درخور اعتنا و نیز مورد استفاده باشد و نزد عرف از آلات حرام شمرده نشود (جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۱۳۹).

### ۳. ادله حرمت مصرف و استفاده آزاد از فضای مجازی

از نخستین پرسش‌های فقهی در موضوع مورد بحث این است که اصل مصرف و استفاده از فضای مجازی به عنوان ابزار ارتباطی تکنیکال در چه صورتی جایز و در چه صورتی حرام است؟

در پاسخ به این پرسش، سه احتمال حرمت مطلق، حلیت و تفصیل می‌توان تصور کرد. از یک سو با استناد به ادله حرمت استفاده از کتب ضالّه، حرمت اشاعه فحشا و کذب، حرمت افساد فی الارض، قاعده نفی سبیل و قاعده وجوب دفع ضرر

محتمل می‌توان به حرمت استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی حکم کرد؛ در مقابل با رد حرمت و استناد به ادله دال بر ضرورت اهتمام به امور مسلمانان، امر به معروف و نهی از منکر، قاعده نفی عسرو حرج و استناد به ادله جواز بهره‌برداری از آلات مشترک، می‌توان به حلیت و جواز استفاده از شبکه‌های اجتماعی حکم داد. با تحلیل دقیق ادله و منابع فقهی به دست می‌آید که فضای مجازی در واقع ابزار و بستری است با قابلیت استفاده سودمند و زیانبار که برخی استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی را به خودی خود مجاز می‌شمارند و امکان استفاده زیانبار از آن را موجب ممنوعیت استفاده از آن نمی‌دانند. به‌ویژه بر کسانی که توانایی استفاده صحیح از این ابزار کارآمد را دارند (ر.ک: شیبانی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۱۳). همچنین می‌توان گفت استفاده از فضای مجازی مباح است؛ چون اولاً مفاسد آن ذاتی نیست؛ بلکه عارضی و غیرلازم است؛ پس فضای مجازی از قبیل آلات مشترک برای صلاح یا فساد است و در اوضاع کنونی، تلازم استفاده از آن با وقوع در گناه، تلازم غالبی و یا موردی است، نه دائمی و قهری و ثانیاً حتی اگر چنین تلازمی باشد، گاه استفاده از آن از باب ضرورت و آنچه فقها تحت عنوان «تحمل اخف الضررین» یاد می‌کنند. (نراقی، ۱۳۲۱، ص ۵۷؛ روحانی، ۱۴۱۳ق، ج ۵، ص ۴۵۶)، جایز می‌شود. ثالثاً اگر شک در حلیت یا حرمت مصرف پیدا شود، باید از اصل اولی سخن گفت؛ چه در قالب اصالة البرائة (حلی، ۱۳۹۰، ج ۱۱، ص ۴۴۶) و چه در قالب اصالة الاباحة یا اصالة الحلیه یا اصالة الصحه که مربوط به حمل فعل غیر بر حکم ترخیصی وضعی، یعنی صحت یا تکلیفی، یعنی جواز اقدام است (مشکینی، ۱۳۷۴، ص ۵۴). رابعاً باید میان عناوین اولی و ثانوی تفکیک قائل شد و چه‌بسا در اوضاع کنونی، نوعی از مصرف مصداق عناوین محرم نباشد؛ ولی حاکم اسلامی بر اساس مصلحتی برای همه یا برای برخی افراد، مصرف را ممنوع و دسترسی را قطع کند.

حال به برخی از ادله و مستندات فقهی در حرمت استفاده آزاد اشاره می‌شود:

۱-۳. قاعده نفی سبیل: قاعده نفی سبیل از جمله قواعد ثانویه شریعت است. این قاعده که برگرفته از آیه ۱۴۱ سوره نساء است: «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» «خداوند هرگز کفار را بر مؤمنان تسلطی نداده است»، یکی از قواعد

پرکاربرد و مؤثر در فقه است و به وسیله این قاعده، هر اقدامی که زمینه نفوذ و تأثیر و تسلط فکری، اقتصادی یا فرهنگی کافران را فراهم کند، ممنوع می‌شود؛ اگرچه بنا بر قاعده اولیه، ما قائل به جواز برخی اقدامات باشیم. امام خمینی ره در تفسیر این قاعده می‌گوید: آیه نفی مطلق سبیل کفار است و لازمه آن نفی تمام سبیل (راه‌ها)، چه به لحاظ تکوینی و چه به لحاظ تشریحی است. این آیه صرفاً اخبار نیست؛ بلکه در مقام تشریح می‌گوید نباید ظرفیتی برای نفوذ و تسلط کفار بر مؤمنان حاصل شود. امام در فلسفه این قاعده می‌گوید: این قاعده در پی توجه دادن مسلمانان است که به هر وسیله ممکن، خود را از زیر سلطه کفار خارج کنند (موسوی خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۷۲۷ - ۷۲۱). در تطبیق قاعده نفی سبیل می‌توان گفت شبکه‌های اجتماعی و مجازی مجرای نفوذ و سلطه و اشراف اطلاعاتی و احاطه فکری دشمن است. بنابراین این ظرفیت موجب تقویت و نفوذ کافران می‌شود.

**۲-۳. قاعده الاسلام یعلو ولا یعلی علیه:** «الاسلام یعلو ولا یعلی» (ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۲۷۹). استفاده از هر ابزار و وسیله‌ای که موجب تقویت کفر و نفوذ و تسلط کافران بر مسلمانان باشد یا زمینه استیلای دشمنان اسلام را در آینده بر مسلمانان فراهم کند، جایز نیست و باید از بهره‌برداری و گسترش آن پرهیز کرد؛ اگرچه استفاده منافع محله نیز داشته باشند. تا زمانی که توان مدیریت و بهره‌برداری نداشته باشیم، استفاده حرام است.

**۳-۳. حرمت اعانه بر اثم:** اعانه بر اثم طبق آیه شریفه «وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ» (مائده: ۲) حرام است. اگر بپذیریم دشمنان اسلام بر اساس قراین و شواهد بسیار، شبکه‌های مجازی را در جهت هژمونی و قدرت نفوذ و تخلیه اطلاعات و اهداف پیدا و پنهان خود تأسیس کرده‌اند و در مواقع لازم از آن بهره می‌برند، استفاده از آنها، قرار گرفتن در شمار پیاده‌نظام کافران و به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، اعانه بر اثم است و حرمت آن بی‌شکال است.

**۳-۴. عمومات و اطلاعات:** براین اساس که شبکه‌های اجتماعی موجب اشاعه فحشا، تسهیل وصول به حرام، ایدای مؤمن، هتک سر، تجسس، نشر اکاذیب و طعن در اسلام و تضعیف نظام اسلامی می‌شوند (عندلیب، ۱۳۹۶، ص ۶۹). بی‌گمان شبکه‌های

اجتماعی و فضای مجازی موجود، مواردی چون اشاعه فحشا، ایدای مؤمن، تجسس و نشر اکاذیب را به دنبال داشته است که هر یک از این موارد عمومات و اطلاعاتی دارد که خود دلیل مستوفایی بر حرمت استفاده در جزء جزء مسائل فضای مجازی است. بنابراین عمومات و اطلاعات ادله ایدای مؤمن، تجسس، نشر اکاذیب و... ابزار و وسایلی که چنین مضرات فراوانی دارند، مادامی که مضرات آن رفع نشود و مکلف خود را در امان از این مهلکات و مضرات نداند، استفاده از آنها برای او حرام است. این حکم شامل استفاده از همه وسایل سایبری و ماهواره‌ای نیز است.

#### ۴. ادله حلیت مصرف و استفاده از فضای مجازی

ادعای محوری جواز استفاده و مصرف شبکه‌های تحت وب و فضای مجازی آن است که فضای مجازی ذاتاً امری مفسده‌آور یا مصلحت‌ساز نیست؛ بلکه آلات مشترک میان حلال و حرام است. پس نوع، جهت و انگیزه استفاده از آن تعیین‌کننده حکم شرعی مصرف است.

۱-۴. استناد به دلایل آلات مشترک بودن فضای مجازی: شاید برای استفاده از فضای مجازی به آلات مشترکه بودن فضای مجازی به عنوان یک ابزار ارتباطی مانند تلویزیون و ماهواره استناد شود و استفاده محله از فضای مجازی را به همین دلیل به صورت مطلق جایز بدانند؛ از این رو عمومات و اطلاعات باب حلیت جواز استفاده از فواید محله آن را در بر می‌گیرد؛ مگر آنکه در این مورد دلیل بر خلاف اقامه شود.

مسئله آلات مشترکه در مسائل گوناگون فقهی همانند آلات قمار و آلات موسیقی و خرید و فروش عین نجس و حرام و فضای مجازی و وب و سایبری و کتب ضاله و... به کار می‌رود. ابزاری مانند شطرنج در روزگار قدیم برای قماربازی ساخته شده و بدان اختصاص یافته است، حکم آن چیست؟ شطرنج در این زمانه وسیله‌ای برای تفریحات سالم و مباح و تنویر فکر و پرورش عقل و حتی فراگیری تعلیمات جنگی است و نمی‌تواند حرام باشد؛ بلکه بازی با آن جایز و پسندیده است. از این قبیل مسائل در جامعه‌ها بسیار اتفاق افتاده و می‌افتد. به نمونه‌های دیگری توجه و تدبر کنید: رادیو و تلویزیون در زمان گذشته ابزارهایی بودند برای ترویج فساد و بی‌بندوباری و اشاعه اکاذیب و نشر مطالب بیهوده، زیان‌بخش، ضددین، منافی عفت

عمومی و از همه بدتر تحکیم مبانی استعمار و تقویت حکومت‌های مستبد و ظالم. پس خرید و فروش، نگهداری و بهره‌گیری از آنها همه حرام بودند و فتوای مجتهد جز آن چیز دیگری نمی‌توانست باشد؛ ولی اکنون همان ابزار در عرفی دیگر، وضعی دیگر یافته و وسیله‌ای است برای اینکه پیام دین، انسانیت و اخلاق، پیام قرآن و تفسیر و عرفان اسلامی را به مردم برساند. آیا باز می‌توان گفت حرام است؟ از همین رو با عنایت به آلات مشترکه بودن فضای مجازی، استفاده از آن در زمان حاضر در جهت مناسب و عقلایی جایز است.

۲-۴. **اصالة البرائه:** بنا بر اصالة البرائه، اگر شک کنیم که چون شبکه‌های مجازی از آلات مشترکه‌اند، استفاده از آنها جایز است یا خیر؟ بنا بر اصالة البرائه می‌توانیم از آنها استفاده داشته باشیم.

۳-۴. **دلیل عقلی و ضرورت اجتماعی:** عقل حکم می‌کند در صورت تحریم استفاده از فضای مجازی، اخلال در زندگی و معیشت حاصل می‌شود؛ چراکه سیر تاریخی و تمدنی بشر را به جایی رسانده که در حال حاضر ضروریات زندگی ما با استفاده از فضای مجازی گره خورده و اینها از امور لازم به‌شمار می‌آید و کنار گذاشتن آنها اخلال در نظام زندگی برای ما ایجاد می‌کند. بر فرض که در ابتدا باید از ورود اینها جلوگیری می‌کردیم؛ اما اکنون در این ورطه افتاده‌ایم و زندگی ضروریات افراد به اینها گره خورده است. پس باید استفاده از اینها را بپذیریم.

## ۵. نقد و بررسی ادله موافقان و مخالفان و دیدگاه مختار

به نظر نگارنده، ادله حلیت استفاده آزاد از فضای مجازی قابل دفاع نیست و دارای اشکالات متعددی می‌باشد. نسبت به دلیل نخست که فضای مجازی آلات مشترکه باشد و در نتیجه اگر استفاده صحیح و مناسب بشود، استفاده از آن صحیح است؛ اشکال مهمی به این دلیل مطرح شده به ذهن می‌آید آن است که ملاک شناسایی آلات مشترکه بودن، مسأله مصرف و بهره‌برداری نیست؛ بلکه تمام ملاک در آلات مشترکه بودن، توان کنترل و اختیار قرار گرفتن نوع مصرف آن به دست مکلف است. بنابراین مصرف مصرف و بهره‌برداری حلال، صحیح و شرعی از آلات حرام، سبب تغییر عنوان آن نمی‌شود و در اختیار بودن و قابلیت کنترل و مدیریت آلات

برای مکلف موضوعیت دارد. اراده مسلط و سلطه اختیار در فضای مجازی متنفی است؛ برای نمونه نیمی از فضای مجازی و شبکه‌های مجازی در اشتراک گذاشتن عکس و فیلم و متن و نامه است و اگر شخصی عکس نامناسبی از خود را در فضای مجازی بگذارد، مشخص نیست چند میلیون نفر از کجای جهان این عکس را مشاهده می‌کنند؛ حتی اگر عکسی را در صفحه شخصی خود قرار دهید که دارای رمز ورود باشد، هکرهای اینترنتی به آسانی قفل صفحه را می‌شکنند. نظر نگارنده بر آن است که در تجویز مصرف فرهنگی از فضای مجازی به عنوان ابزار و آلات مشترک، لازم است آلت تحت اراده و اختیار مکلف باشند و از همین رو فضای مجازی و شبکه‌های اینترنتی و تحت وب از آنجاکه تحت اختیار مکلف نیست و اختیار مدیریتی آن در اختیار مخالفان و معاندان است، آلات مشترکه قلمداد نمی‌شود؛ هرچند از آن استفاده‌های حلال یا حرام بشود.

همچنین درباره دلیل دوم حلیت، اشکال آنجاست که اصول عملیه و اصالة البرائه در جایی حجت و دلیل اند که ادله اولیه نباشند؛ درحالی که در فضای مجازی بستر کنونی، ادله نفی بسیار محکم وجود دارد و نمی‌توان به آسانی دلیل نفی سبیل را کنار گذاشت. دلیل رد نظریه دلیل عقلی و ضرورت اجتماعی در جایی ثابت است که با دلیل دیگر در تعارض نباشد؛ اما در این مسئله به دلیل وجود تهلکه و احتمال ضرر، قاعده عقلایی دفع ضرر محتمل وجود دارد و از همین رو جای احتیاط و اجتناب از فضای مجازی است.

همان‌گونه که ذکر شد، در اصل استفاده و مصرف شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی دو دیدگاه کلی وجود دارد: ۱. حرمت و عدم جواز استفاده آزاد؛ ۲. حلیت و جواز استفاده آزاد.

نظر بدوی ما درباره قاعده کلی و اصل اولی آن است که باید میان فضای مجازی موجود و فضای مجازی مطلوب تفکیک قائل شد. در اوضاع کنونی، اصل بر تضییق مصرف و در وضع مطلوب که فضای مجازی آلات مشترک است و مدیریت کلان آن در انحصار کافران و مفسدان نیست، اصل بر جواز مصرف است؛ ازاین‌رو ضروری است در حکم حتماً باید نوع مصرف را لحاظ کرد و بدون لحاظ آن

نمی‌توان حکم به توسعه مصرف و جواز بهره‌برداری آزاد داد. به بیان دیگر اشکال در استفاده از فضای مجازی به صورت آزاد و بهره‌مندی از ادله آلات مشترکه، دو اشکال صغروی و کبروی وجود دارد.

اشکال صغروی آن است که در شرایط موجود، فضای سایبری و سیستم‌های تحت وب و فضای مجازی اساساً آلات مشترک نیستند که به صرف آن بتوان دلیل بر جواز استفاده از منافع محله آن به صورت مطلق داد؛ چراکه همان استفاده به‌ظاهر محله در نگاه کلان که سرقت اطلاعات، امکان نفوذ به حریم خصوصی، انتقال اطلاعات به سرویس‌های جاسوسی و شبکه‌های معاند است، مانع از اطلاق آلات مشترکه می‌کند. اگر کسی به اشکال صغری ایراد وارد کند و بگوید به هر نوع استفاده محلی نمی‌توان گمان جاسوسی داد، حداقل اگر احتمال آن باشد، به حکم عقل، جای احتیاط است؛ زیرا دوری از ابتلای حرمت، حسن عقلایی است.

به نظر نگارنده حتی اگر سیستم تحت وب و فضای مجازی کنونی جزو مصادیق آلات مشترک نیز باشد، طبق قواعد فقهی نمی‌توان با بی‌پروایی اجازه مصرف و توسعه آن را داد و لازم است به اندازه ضرورت و اضطرار از این فضا استفاده کرد. برخی از قواعدی که تنها ضرورت و اضطرار را ملاک مصرف و استفاده از فضای مجازی قرار می‌دهند، عبارت‌اند:

#### ۵-۱. قاعدة «درء المفسد اولی من جلب النافع»

مفاد این قاعده آن است که اگر چیزی می‌تواند هم مصلحت و هم مفسده به بار آورد، اولویت بر پرهیز از مفسد آن است؛ هرچند به قیمت نادیده‌گرفتن منافع و مصالح و وجودش باشد. (حسین مراغی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۳۹۴)؛ پس اگر نمی‌توانیم مفسد فضای مجازی را در اوضاع کنونی از بین ببریم و مثلاً اینترنت پاک برای کودکان تهیه کنیم، بهتر آن است که از منافع آن نیز بگذریم و امکان دسترسی را بر اساس اضطرار و ضرورت فراهم کنیم.

#### ۵-۲. قاعدة تقدیر ضرورت

بر اساس این قاعده، در موارد عروض ضرورت باید احکام مربوط به ضرورت را ۱۱۷

تنها در محدوده وجود ضرورت جاری کرد؛ زیرا انتفای حکم به انتفای موضوع امری مسلّم و بدیهی است و با برطرف شدن ضرورت، دیگر موضوعی باقی نمی‌ماند؛ بنابراین اگر مکلف در تراحم امتثالی قرار گرفت، یعنی دو کار هم‌زمان بر او واجب شد که بر هر دو قدرت ندارد، از باب ضرورت، یکی از دو تکلیف ساقط می‌شود؛ اما سقوط تکلیف دیگر دلیلی ندارد. در فقه شیعه و اهل سنت، مثال‌های بسیاری برای تطبیق این قاعده می‌توان یافت. (زحیلی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۵؛ موسوی، ۱۳۹۲، ص ۱۶۱)؛ ولی مثال معروف آن در فقه همه مذاهب اسلامی، مسئله جواز اکل و شرب ماده حرام برای نجات نفس است (ر.ک: المعینی، بی‌تا، ص ۶۲-۸۰) درباره حالت ضرورت غذایی و تداوی به حرام در استعلاج.

برخی فقهای اهل سنت قاعده را مشروط به شروط سه‌گانه دانسته و این شروط را به تحقیق ضرورت رجوع داده‌اند: شرط اول آنکه ضرورت بالفعل باشد، نه آنکه محتمل یا مظنون باشد؛ شرط دوم آنکه راهی برای فرار از حرام نباشد و به تعبیر شیعی مندوحه نباشد، مثلاً اگر با قرض گرفتن بتواند غذای حلال بخورد، نباید خود را مضطر به حرام‌خواری بداند؛ شرط سوم آنکه خودش را در حرام نینداخته باشد، یعنی تسبیب به حرام نکرده باشد (ر.ک: همان، ص ۳۷-۴۷) البته این شروط تحلیل معنای ضرورت و قابل قبول است. ناگفته نماند فردی که خودش را مضطر به ارتکاب حرام کند، پس از وقوع در اضطرار دیگر برای حفظ نفس چاره‌ای از اکل حرام ندارد و باید وظیفه واجب بر مضطر را انجام دهد؛ ولی عقاب برای تسبیب به حرام از او برداشته نمی‌شود؛ مگر در باب تسبیب به جنابت با فرض نبود آب که فقها گفته‌اند این مورد بالخصوص از قاعده وجوب حفظ قدرت بر واجب اختیاری خارج شده است (طباطبایی حکیم، ۱۴۲۶ق، ج ۳، ص ۳۸۱).

ادله قاعده: آیات (بقره: ۱۷۳؛ مانده: ۱۴۵؛ انعام: ۱۱۵؛ نحل: ۱۱۹) و روایات از قبیل روایات باب تقیه با تعبیر «التقیه فی کل ضروره» (حر عاملی، ۱۴۰۲ق، ج ۱۱، ص ۴۶۸)، روایات شکنجه عمار یاسر برای اظهار کفر (همان، ج ۱۶، ص ۲۲۶)، روایات جواز اکل میته (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۳۴۵)، روایات مربوط به رفع امور تسعه (حر عاملی، ۱۴۰۲ق، ج ۱۱، ص ۲۹۵)، روایات صلاة مضطر و روایات دیگر که با تعبیر «الاولو قد احلّه» می‌توان



جستجو کرد. از ادله دیگر باید اجماع را ذکر کرد؛ مانند اجماع به انتقاض تیمم به وجدان ماء (المعینی، بی تا، ص ۴۰؛ زحیلی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۰) و دلیل عقل از قبیل حکم عقل به انتفای حکم شرع به انتفای موضوع آن (اراکسی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۵۶۹). می توان ادله تکمیلی دیگری را نیز ضمیمه کرد؛ مانند آثار الصحابه (المعینی، بی تا، ص ۳۳).

در میان آیات، آنچه از لسان آیه «فمن اضطر غیر باغ ولا عاد فلا اثم علیه» (بقره: ۱۷۲) استفاده است، وجود دو شرط برای ترخیص مضطر است: اول باغی نبودن و دوم عادی نبودن. تفاوت این دو قید در آن است که باغی اشتهایی به عمل حرام دارد؛ بنابراین خود را به اضطرار می افکند تا مجوزی برای انجام آن بیابد؛ ولی عادی کسی است که در شرایط اضطراری، فراتر از حد ضرورت مرتکب عمل می شود (زحیلی، ۱۳۸۸، ص ۸۴).

#### ۱-۲-۵. تطبیق قاعده بر مصرف اینترنت

اگر مکلف بخواهد هم مرتکب حرامی نشود - مثلاً تصاویر مستهجن و تحریک کننده شهوت را نبیند - و هم وظیفه شرعی خود مبنی بر کسب خبر و نهی از منکر را انجام دهد، قطعاً تراحمی در امتثال رخ می دهد؛ زیرا فرض آن است که قدرت بر انجام هردو را ندارد، ناچار یکی از دو تکلیف ساقط می شود و به اقتضای قاعده اهم و مهم، تکلیف اهم باقی و تکلیف به مهم ساقط می شود؛ ولی سقوط مهم محدود به صورت تراحم و در حدود عروض تراحم است. اگر بگوییم استفاده از فضای مجازی گریزناپذیر و نیز آسیب های ورود به آن نیز در اوضاع کنونی، گریزناپذیر است آن گاه مصرف کننده باید ببیند در مواردی که به خاطر سامان زندگی اجتماعی و ایجاد ارتباط و تعاملات یا روابط تجاری، راهی جز استفاده از فضای مجازی ندارد، به طوری که بدون آن اختلال در نظام معیشت و شغلش فراهم می آید و از سوی دیگر در مسیر مصرف ناچار تحت تأثیر تبلیغات و القائات ضدفرهنگی واقع می شود که در کوتاه مدت یا درازمدت او را در اعتقادات و ایمانش متزلزل می کند، در این موارد اولاً باید در مصرف مسیری را انتخاب کند که دچار چنین تراحمی نشود، مثلاً اخبار و اطلاعات لازم برای شغل خود را از طریق سایت های داخلی و مدیریت شده توسط افراد خوب بگیرد و در مواردی که مصرف منجر به مسیر پرخطر است، اگر

مصرف او تفریحی و غیرضروری است که اساساً باید آن را ترک کند و اگر مصرف لازم و ضروری است، مسیر کم‌خطرتر را انتخاب کند و در مواردی که با خطری روبه‌رو می‌شود، باید خود را حفظ و نیاز به مصرف را برآورده کند.

فقها در فروع بحث از قاعده «لا ضرر» از تزامم ضررین سخن گفته‌اند و در آنجا از لزوم ارتکاب ضرر اخف برای پرهیز از ضرر اشد بحث کرده‌اند و از فروع بحث تزامم ضررین، بحث قاعده اضطرار است که بر اساس آن گفته‌اند مکلف باید در شرایط اضطرار به وقوع حرام حتماً فرد اخف را برگزیند و اضطرار به فرد اشد توجیهی ندارد (سیستانی، ۱۳۸۹، ص ۳۱۳).

## ۲-۲-۵. قلمرو دلالت قاعده تقدیر

بنابراین دو مورد از حدود دلالت قاعده «الضرورات تقدر بقدرها» خارج می‌شود: اول. مصارف فرهنگی که آسیبی ندارد؛ مثلاً تماشای فیلم یا مستند یا بازی کامپیوتری یا استفاده از شبکه‌های اجتماعی برای کسب اطلاعات و اخبار که ملازم با فساد نیست، مشکلی ندارد. دوم. مصرف فرهنگی که در تزامم با تکلیفی دیگر است؛ ولی اصل مصرف، واجب و ضروری نیست. در اینجا تکلیف به ترک حرام فعلیت می‌یابد و مصرف فرهنگی که ضرورتی ندارد، تعطیل می‌شود. بنابراین بازی‌های کامپیوتری که احراز فساد و ضرری از آنها شده است، چه آنکه مکلف شخصاً احراز کند یا کارشناسان احراز کنند - به‌طوری‌که از گفته آنان برای مکلف یقین حاصل شود - یا احراز فساد به جهت منع حکومت اسلامی باشد، تا زمانی که ضرورتی در استفاده از آنها نباشد، استفاده حرام است.

ناگفته نماند حکم حرمت ناظر بر برنامه‌های سخت‌افزار رسانه‌ای همانند گوشی و کیس و مانیتور و رایانه و ... نیست؛ بلکه همه این موارد ذکرشده ناظر بر پلت‌فرم‌های اجرای برنامه‌ها و داده‌های اطلاعاتی است؛ به بیان دیگر ما یک فناوری سیستم عامل داریم و یک ابزار بهره‌وری از آن. تمام کلام حرمت شبکه‌های اینترنتی یا عدم حرمت آن، ناظر بر اصل سیستم اینترنت و محتوای نرم‌افزاری و داده‌های سایبری است که در اختیار مکلف نیست و از جایی دیگر مدیریت علمی و محتوایی می‌شود. دشمنان نیز با استفاده ابزاری از کاربران اینترنت، به اهداف امنیتی و

هنجارشکنانه خود دست می‌یابند و از آن استفاده ابزاری می‌کنند. بنابراین حکم حرمت شبکه‌های اجتماعی، در صورت ایجاد شبکه اینترنت ملی خدشه‌پذیر است و وجه حرمت متصور نمی‌شود.

آری، در اوضاع کنونی که مدیریت کلان فضای مجازی در اختیار حاکم اسلامی نیست، در گام نخست می‌توان از قاعده تقدیر ضرورت برای تعیین نحوه مصرف سخن گفت و در تطبیق این قاعده باید عروض تراحم و ارتکاب اخف الضررین را لحاظ کرد.

قاعده تقدیر ضرورت جواز مصرف در موارد ضروری را محدود به بقای موضوع، یعنی اصل وجود ضرورت قرار می‌دهد. این قاعده توسعه‌بخش مصرف به توسعه موارد ضرورت و محدودکننده مصرف نسبت به موارد غیر ضروری است؛ با این حال باید قاعده ضرورت را پایه‌گذار اصل محدودیت مصرف دانست؛ چون این قاعده معمولاً در مواردی به کار می‌رود که مصرف به حکم اولی حرام است و به حکم ثانوی ناشی از وجود ضرورت، مصرف را در حدود تحقق ضرورت مجاز می‌شمارد و درباره مصارفی که به حکم اولی حرام نیست، چیزی نمی‌گوید.

### ۳-۵. قاعده حرمت اختلال نظام

این قاعده نظر به نوع مصرف به لحاظ دیگری غیر از محتوای فضای مجازی دارد؛ بدین معنا که بسیاری از مصارف حلال و حرام با صرف نظر از حلیت و حرمت آنها، گاه زمینه‌ساز استیلای کافر بر مسلمان را فراهم می‌آورد؛ چه آنکه به مجرد استفاده یک فرد یا به لحاظ اقدامات مجموعه‌ای از مردم، یا عموم مردم نوعی وابستگی خسارت‌بار به کافران فراهم شود و حتی می‌توان تصور کرد مصرف مجاز زیاد شود و به حد اسراف برسد و خود این اسراف زمینه‌ساز استیلا را فراهم آورد؛ در نتیجه باید مصرف را منوط به عروض نکردن اختلال نظام کرد.

شاید گفته شود در مقابل این قواعد، قواعد دیگری همچون اصالة الحل و قاعده وجوب حفظ نظام اقتضای توسعه در مصرف از فضای مجازی را می‌کند؟ پاسخ به این پرسش آن است که قاعده وجوب حفظ نظام از آن جهت به مصرف دعوت می‌کند که مصرف ابزاری برای حفظ نظام اسلامی است. طبعاً در اینجا قاعده به

توسعه مصرف به منظور حفظ نظام نظر دارد و در صورت تأمین نشدن این هدف یا تبدیل شدن به ضد آن که تخریب نظام در ابعاد اخلاقی، تربیتی، امنیتی و... باشد، ضرورت تضییق در مصرف را تقویت می‌کند.

همچنین در قاعده حل یا اصالة الحل که مصارف مشکوک را حلال اعلام می‌کند و چنین ادعا دارد که اگر در عروض عنوان حرام‌کننده مصرف شبهه‌ای باشد، اصل اولی بر جواز مصرف است، باید گفت برای اهل فن، روشن و واضح است که در کنار مصارف عادی و حلال، طرف مهاجم بهره‌برداری خود را در زمینه‌های گوناگونی خواهد برد و کاربران شبکه‌های تحت وب نادانسته هدف دسیسه‌های شوم آنان خواهند شد. بنابراین حالت شکی در این خصوص وجود ندارد؛ به‌ویژه با ترندهای امنیتی و قدرت عملیات روانی بالا که در آنان است. پس اصالة الحل در موارد مشکوک جاری است؛ ولی به قصد و نیت کاربر مربوط نیست و اگر در موارد تخصصی و فنی، متخصصان امر قطعیت سوءاستفاده را با ایجاد بستری که کاربران حاصل می‌کنند، تشخیص داد، دیگر حالت منتظره و مشکوکی وجود ندارد.

با تحقیق دقیق اثبات شده است که طراحی و تولید سیستم‌های تحت وب بستر گسترده‌ای برای اغراض سیاسی نفوذ دشمن،<sup>۱</sup> جاسوسی (افراسیابی، ۱۳۸۳، ص ۵۲-۵۴)، ضربه زدن به ارزش‌ها و استیلای فکری بر جوامع گوناگون طراحی شده است و شبکه‌های امنیتی عهده‌دار ترویج و تحلیل داده‌های آن است. این شبکه‌ها با توجه به اینکه متشکل از داده‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری هستند و ابزاری صرف مانند تلویزیون نیستند، تنها در صورت اضطرار که اضطرار حکم ثانوی است، می‌توان از فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی استفاده کرد یا در مواردی چون استفاده علیه خود دشمن می‌تواند جایز باشد؛ لیکن ترویج و تبلیغ شبکه‌های اجتماعی و مجازی بی‌گمان حرام است.

با این مطالب باید به این پرسش پاسخ داد که آیا گشت و گذار در سیستم تحت

۱. سخنرانی سردار جلالی رئیس سازمان پدافند غیرعامل: «شبکه‌های اجتماعی می‌تواند یک شبکه کاملاً جاسوسی باشند؛ یعنی می‌تواند ارتباط خارج از کنترل دولتی و حکومتی را با گروه‌های اجتماعی و غیراجتماعی خارج از کشور برقرار کرده، نسبت به جمع‌آوری و تبادل اطلاعات اقدام کند؛ بنابراین بستر اقدام جاسوسی فراهم است» (۱۰ بهمن ۱۳۹۵).

وب و اینترنت بدون نیت و قصد حرام و باطل، جایز است؟

اولاً هر بازدیدی می‌تواند زمینه‌ساز بازدیدهای بعدی باشد؛ چراکه فضای مجازی و رسانه‌ای فضای تحریک حس کنجکاوی، جستجو و کشف از یک سو و محیط تبرج و خودنمایی از سوی دیگر است و نیز همواره مصرف اولی بر مصرف ثانوی تأثیرگذار است. ثانیاً هر بازدیدی می‌تواند نوعی ارزش‌گذاری قلمداد شود؛ چون مصرف‌کننده با انتخاب مورد مصرف از میان دیگر موارد رقیب و صرف وقت و مقدار هزینه‌ای که تحمل می‌کند و نیز با توجه به پایگاه اجتماعی‌ای که دارد، نوعی ارزش‌گذاری به کالاهای فرهنگی مورد مصرف کرده است.

### نتیجه‌گیری

فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی از دیدگاه فقهی با دو نوع حکم روبه‌روست. نوع اول از نگاه فقه خُرد و جزئی، نوع دوم از نگاه فقه کلان و حکومتی که اگر با دیدگاه فقه خرد، فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی را مطالعه کنیم، این پرسش مطرح می‌شود؛ آیا استفاده از چنین ابزاری جایز است یا خیر؟ اما اگر از منظر فقه کلان بخواهیم فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی را مطالعه کنیم، پرسش این است که چه وظیفه‌ای در مقابل فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی بر عهده حاکمیت خواهد بود؟ اگرچه از این بستر می‌توان برای تحکیم، تبلیغ و ترویج معارف دینی و ارزش‌های انقلاب اسلامی استفاده نمود؛ ولی اگر استفاده آزاد از شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی موجب اضلال، اشاعه فحشا و کذب، القای مفسده یا تقویت دشمنان اسلام شود، استفاده از آن جایز نیست و تکلیف کاربر محدود کردن استفاده در حد ضرورت است و تکلیف حکومت اسلامی حفاظت امنیتی، رصد کردن نشستی اطلاعاتی و فیلتر کردن هدفمند بخش‌های مزاحم و انحرافی این فضا است.

شبکه‌های مجازی در واقع آلات مشترک نیستند؛ چراکه عنوان ابزار مشترک در فقه ناظر به سخت‌افزار است و حال آنکه این شبکه‌ها متشکل از نرم‌افزار و سخت‌افزارند و صرفاً یک ظرف قلمداد نمی‌شوند؛ در نتیجه اگر با نگاه کلان و از بالا به شبکه‌های تحت وب، فضای مجازی و سایبری نگریسته بشود، معلوم می‌شود که نحوه انتفاع، استعمال، انتفاع و بهره‌برداری اینترنت و فضای مجازی از تحت اختیار

کاربران آن بیرون است (ر.ک: رفیع و جانباز، ۱۳۸۹) و ملاکی را که فقها برای آلات مشترک ذکر کرده‌اند، وجود ندارد؛ هرچند استفاده حلال یا حرام کاربر از شبکه‌ها اجتماعی به‌ظاهر در اختیار اوست.

از دیدگاه این تحقیق، استناد به قاعده آلات مشترک بودن فضای مجازی هم از نظر صغروی و هم کبروی تلقی نادرستی است. بنا بر آنکه فضای مجازی آلات مشترکه محسوب نشود و بر مبنای فقه کلان، حکومت مکلف به مهار و سالم‌سازی محتوایی شبکه‌های اجتماعی و مجازی است. البته میان اینترنت و ابزارهای اینترنت فرق است و حکم حرمت ناظر بر اصل اینترنت و فضای سایبری و وب‌هایی است که خارج از مرزهای جمهوری اسلامی ایران، تهیه و توزیع می‌شوند و هیچ‌گونه مدیریت ساختاری و محتوایی بر آنان نمی‌شود و بهره‌وری و استفاده از آن در اختیار کاربران اینترنتی است. از همین رو فضای مجازی و شبکه‌های اینترنتی آلات مشترک نیستند و استفاده از آن حرام است؛ مگر از باب ضرورت جایز باشد.

بنابراین اصل بر توسعه مصرف نیست و باید در مصرف فضای مجازی به قدر ضرورت بسنده کرد؛ به عبارت دیگر در استفاده آزاد در مصرف فرهنگی از فضای مجازی اصل بر تضییق و ایجاد محدودیت و تنوع مصارف، تعیین‌کننده حکم اولی در جواز توسعه یا وجوب تضییق می‌باشد. بحث مهم و اساسی ناظر به خصوصیت ذاتی فضای مجازی است که قابلیت استفاده صحیح و ناصحیح هر دو را دارد. بحث دیگر ناظر به اوضاع خارجی استفاده از فضای مجازی است که همراه با قیود و شروط و مقررات خاص شده است.

## فهرست منابع

- قرآن کریم.
۱. ابن شهر آشوب، ابی جعفر رشیدالدین محمد بن علی (۱۴۱۲ق). مناقب آل ابی طالب. بیروت: انتشارات دارالاضواء.
  ۲. افراسیابی، محمدصادق (۱۳۸۳). اینترنت آنلاین ترین جاسوس دنیا. شبکه های اطلاع رسانی جهانی. سروش، ۱۲۰۴. [rasekh.on.net/article/show/173122](http://rasekh.on.net/article/show/173122).
  ۳. بل، دیوید (۱۳۸۹). درآمدی بر فرهنگ های سایبر. (ترجمه مسعود کوثری و حسین حسینی)، تهران: انتشارات جامعه شناسان.
  ۴. بهجت، محمدتقی (۱۴۲۸). استفتائات. قم: دفتر حضرت آیت الله بهجت.
  ۵. پالیزبان، محسن (پاییز ۱۳۹۴). بررسی رابطه اینترنت و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه سیاست. دانشگاه تهران. ۴۵ (۳). ۶۵۴-۶۳۵.
  ۶. تبریزی، جواد بن علی (بی تا). استفتائات جدید. قم: بی تا.
  ۷. توسلی، افسانه و انسیه جلالوند (۱۳۹۴). استفاده از اینترنت و تمایل به خوداظهاری، فصلنامه مطالعات اجتماعی - روان شناختی، زنان. ۱۳ (۴).
  ۸. جمعی از پژوهشگران زیر نظر سید محمود هاشمی (۱۴۲۶ق). فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام. قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.
  ۹. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۲ق)، وسائل الشیعه. قم: آل البيت علیهم السلام.
  ۱۰. حسینی مراغی، سید میر عبدالفتاح بن علی (۱۴۱۷ق). العناوین الفقهیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
  ۱۱. حلی، حسین، (۱۳۹۰). اصول الفقه. [بی تا]: مکتبه الفقه والاصول المختصه.
  ۱۲. خامنه ای، سید علی بن جواد حسینی (۱۳۹۸). أجوبة الاستفتائات (فارسی). تهران: انقلاب اسلامی.
  ۱۳. رفیع، حسین و دیان جانباز، (۱۳۸۹). تأثیر فناوری های جهانی اطلاعاتی و ارتباطاتی بر امنیت ملی کشورها، فصلنامه سیاست دانشکده علوم سیاسی. تهران: دانشگاه تهران. ۹۷-۷۹.
  ۱۴. روحانی، محمد (۱۴۱۳ق). منتقى الأصول. قم: دفتر آیت الله سید محمد حسینی روحانی.
  ۱۵. زحیلی، وهبه (۱۳۸۸). نظریه ضرورت در فقه اسلامی. (مترجم: حسین صابری)، قم: بوستان کتاب.
  ۱۶. سیستانی، سید علی (۱۳۸۹). قاعدة لا ضرر ولا ضرار. قم: خرسندی.
  ۱۷. شیبانی، محمد و محسن جهانگیری کلونخی و سید علی اصغر حسینی (زمستان ۱۳۹۷). درآمدی بر مبانی فقهی استفاده از شبکه های اجتماعی مجازی، جستارهای فقهی و اصولی. ۱۳-۱۴۶-۱۲۱.
  ۱۸. شیرزاد، کامران (۱۳۸۸). جرایم رایانه ای از دیدگاه حقوق جزای ایران و حقوق بین المللی، [بی جا]: بهینه.
  ۱۹. طباطبائی حکیم، سید محمد سعید (۱۴۲۶ق). مصباح المنهاج. [بی جا]: دار الهلال.